

عنوان مقاله:

نقش نظامی گری در سیاست خارجی آمریکا و ارتباط آن با بحران های خاورمیانه

محل انتشار:

دومین همایش بین المللی شرق شناسی، مطالعات ایرانی و بیدل پژوهی (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسنده:

اسامه حسنی پور - دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه گیلان

خلاصه مقاله:

پس از پایان جنگ سرد بسیاری بر این باور بودند که دیگر خطری جهان را تهدید نخواهد کرد و صلح به امری نسبتاً پایدار تبدیل خواهد شد. از اینرو رهبران کشورهای قدرتمند و در راس آنها آمریکا، به فکر کاهش بودجه نظامی افتادند. اتفاقی که برای مجتمع های نظامی صنعتی نگران کننده بود. کاهش تنش در جهان منجر به کاهش بودجه نظامی در کشورها و در نهایت کاهش سفارش تولید اسلحه به سازندگان آن میشد. صاحبان این صنایع در کنار همراهان پرنفوذ خود در نهادهای تصمیم گیر ایالات متحده، تصمیم به ایجاد مراکز مطالعاتی متعددی گرفتند که وظیفه دارند بر روی مناطقی که از اهمیت ژئواستراتژیک بالایی برای آمریکا برخوردارند تمرکز و رفتار رهبران کشورهای مختلف را تحلیل و نتیجه را نه آنطور که هست، بلکه آنطور که دست های پشت پرده می خواهند، منتشر کنند. این نتایج به منظور ایجاد یک دشمن فرضی در فضای سیاسی و رسانه ای آمریکا منتشر و شرایط را برای اقدام پیشگیرانه یا واکنش نظامی محیا می کند تا به مخاطب القا شود که برای حفظ امنیت کشور و جهان، نیاز به افزایش بودجه نظامی، افزایش تولید سلاح و استفاده بیشتر از مجتمع های تولید اسلحه وجود دارد و این دور باطل همچنان ادامه دارد و کشورهای زیادی را به بهانه مبارزه با تروریسم یا ایجاد دموکراسی به ورطه نابودی کشانده و میلیون ها انسان بی گناه را در خاورمیانه یا به کام مرگ فرو برده، یا آواره و بیخانمان و مجبور به مهاجرت کرده است. این پژوهش درصدد بررسی رابطه بین نقش مراکز مطالعاتی در آمریکا و مجتمع های نظامی صنعتی و تصمیماتی که در دستگاه سیاسی آمریکا اتخاذ میشود با ایجاد ناامنی در خاورمیانه میباشد. به نظر میرسد هرچه جنگ و ناآرامی بیشتر باشد

کلمات کلیدی:

مجتمع های نظامی- صنعتی، آمریکا، خاورمیانه، ناآرامی، بحران

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/830440>

